



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

### تحلیل تطبیقی مسقطات خیار عیب در معاملات در حقوق ایران و فقه اسلامی

حسین انصاری<sup>۱\*</sup>

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** هدف از این تحلیل، شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی است؛ تا به ایجاد چارچوبی منسجم و کارآمد در راستای حمایت از مصرف‌کنندگان و ترویج عدالت در معاملات کمک کند.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

**یافته‌ها:** در هر دو نظام حقوق ایران و فقه اسلامی، مسائلی چون علم به عیب، پذیرش عیب و زمان اعمال خیار از جمله عوامل مهم در سقوط حق خیار عیب به شمار می‌آید. همچنین، هر دو نظام بر لزوم حسن نیت و حسن رفتار در قراردادها تأکید دارند و بر این باورند که اطلاعات نادرست یا عدم افشای عیوب می‌تواند به سلب حق خیار منجر گردد. با این حال، در حقوق ایران و فقه اسلامی، تفاوت‌هایی در جزئیات و نحوه درک عیوب و مسقطات خیار وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، در فقه اسلامی، دامنه نظر فقها نسبت به تحلیل عیوب و نحوه جبران خسارت ممکن است متنوع‌تر باشد. همچنین، در حقوق ایران، قوانین مشخص‌تری برای نحوه محاسبه ارزش و جبران خسارت ناشی از عیب در قانون مدنی وجود دارد که می‌تواند به کاهش ابهامات در مواجهه با دعاوی مرتبط کمک کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به متون قانونی و فقهی می‌تواند به بهبود فرآیندهای تجاری و افزایش امنیت حقوقی در معاملات کمک کند و زمینه‌ساز توسعه یک چارچوب حقوقی منسجم‌تر در زمینه خیار عیب باشد.

**نتیجه:** تدقیق در مفاهیم خیار عیب و مسقطات آن، بیانگر لزوم توجه به حسن نیت و اخلاق در معاملات است که از ویژگی‌های بارز جوامع اسلامی و حقوق مدنی ایران به شمار می‌رود. این تحلیل نشان می‌دهد که یک چارچوب قانونی منسجم و شفاف، می‌تواند به کاهش دعاوی ناشی از عیوب کالا و افزایش اعتماد عمومی در بازارهای تجاری کمک کند.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۳

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

#### واژگان کلیدی:

خیار عیب، معاملات، حقوق ایران، فقه اسلامی

#### نویسنده مسؤول:

حسین انصاری

#### آدرس پستی:

ایران، اهواز، دانشگاه شهید چمران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق.

#### تلفن:

09940577558

#### کد ارکید:

0009-0006-6142-7210

#### پست الکترونیک:

hansary149@gmail.com

## ۱. مقدمه

خيارات اقسام متعددی دارند که از جمله آنها می‌توان خیار عیب را نام برد.

خیار عیب به مجرد وجود عیب، هنگام عقد بیع ثابت می‌شود، هر چند هنوز ظاهر نشده باشد. همچنین اگر قبل از قبض عیبی در آن ایجاد شود، این مورد نیز محل جریان خیار عیب می‌باشد. موضوع خیار عیب در معاملات، از جمله مباحث مهم و حساس در حقوق ایران و فقه اسلامی به شمار می‌رود. خیار عیب به عنوان یکی از حقوق خریدار در صورت وجود عیوب قابل رؤیت یا غیرقابل رؤیت در مورد کالای خریداری‌شده، این امکان را فراهم می‌آورد که او بتواند قرارداد را فسخ کند یا درخواست کاهش قیمت نماید. در این میان، بررسی مسقطات خیار عیب، یعنی شرایط و عواملی که موجب زوال این حق می‌شوند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در حقوق مدنی ایران، مسأله مسقطات خیار عیب می‌تواند تحت تأثیر اصول مختلف حقوقی و عرفی قرار گیرد و در عین حال، فقه اسلامی نیز به این موضوع نگاهی دقیق و خاص دارد.

با توجه به اینکه در معاملات، حفظ حقوق طرفین و استحکام قراردادها از اهمیت بالایی برخوردار است، شناخت و تحلیل مسقطات خیار عیب می‌تواند به تحکیم مبانی قانونی و ایجاد توازن در روابط تجاری کمک کند. لذا در این پژوهش، مسقطات خیار عیب در معاملات در نظام‌های حقوقی و فقه، مورد مطالعه تطبیقی قرار خواهد گرفت. هدف از این بررسی، روشن‌سازی ابعاد مختلف خیار عیب و شرایط از بین رفتن آن در معاملات است که می‌تواند به بهبود فرایندهای حقوقی و تجاری در جامعه یاری رساند.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

## ۴. یافته‌ها

در هر دو نظام حقوق ایران و فقه اسلامی، مسائلی چون علم به عیب، پذیرش عیب و زمان اعمال خیار از جمله عوامل مهم در سقوط حق خیار عیب به شمار می‌آید. همچنین، هر دو نظام بر لزوم حسن نیت و حسن رفتار در قراردادها تأکید دارند و بر این باورند که اطلاعات نادرست یا عدم افشای عیوب می‌تواند به سلب حق خیار منجر گردد. با این حال، در حقوق ایران و فقه اسلامی، تفاوت‌هایی در جزئیات و نحوه درک عیوب و مسقطات خیار وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، در فقه اسلامی، دامنه نظر فقها نسبت به تحلیل عیوب و نحوه جبران خسارت ممکن است متنوع‌تر باشد. همچنین، در حقوق ایران، قوانین مشخص‌تری برای نحوه محاسبه ارزش و جبران خسارت ناشی از عیب در قانون مدنی وجود دارد که می‌تواند به کاهش ابهامات در مواجهه با دعاوی مرتبط کمک کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به متون قانونی و فقهی می‌تواند به بهبود فرآیندهای تجاری و افزایش امنیت حقوقی در معاملات کمک کند و زمینه‌ساز توسعه یک چارچوب حقوقی منسجم‌تر در زمینه خیار عیب باشد.

**۵. بحث**

در این مقاله به مباحث ذیل پرداخته می‌شود:

۱. مسقطات خیار عیب در حقوق ایران  
در کتاب "قواعد عمومی قراردادها"، کاتوزیان به‌طور مفصل بر این نکته تأکید دارد که اساس و بنیاد قراردادها بر تملیک کالاهای سالم استوار است. به بیان دیگر، وقتی طرفین یک قرارداد بیع را منعقد می‌کنند، انتظار دارند که کالا یا ملکی که به آن‌ها منتقل می‌شود، عاری از هرگونه عیب و نقص باشد. این انتظار ناشی از اصل حسن نیت و اعتماد است که در روابط قراردادی پذیرفته شده است و بر اساس آن، هر یک از طرفین حق دارند که توقع داشته باشند کالایی که خریداری می‌کنند، مطابق با ویژگی‌ها و شرایط مورد توافق باشد.

کاتوزیان در تحلیل خود به این نکته اشاره می‌کند که تملیک کالاهای سالم نه تنها به معنای حفظ حقوق خریدار است، بلکه همچنین باید به‌عنوان یک وظیفه برای فروشنده تلقی شود. این امر بر مبنای این قاعده است که اگر فردی کالایی را به دیگری می‌فروشد، باید اطمینان حاصل کند که آن کالا از نظر کیفی و کمی در وضعیت مطلوبی قرار دارد و عیبی که ممکن است بر ارزش یا کارایی کالا تأثیرگذار باشد، وجود نداشته باشد. به علاوه، کاتوزیان معتقد است که اگر فروشنده از عیوب کالا مطلع باشد و این عیوب را کتمان کند، می‌توان او را به سوءاستفاده متهم کرد و در چنین حالتی، خریدار این حق را دارد که به‌واسطه وجود عیب، قرارداد را فسخ کند یا تقاضای ارش (جبران خسارت) نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۵، ۳۰۹). به‌طور کلی، تحلیل فوق مفهومی روشن از رابطه فروشنده و خریدار در عقود بیع ارائه می‌دهد و بر ضرورت ایجاد اعتماد و شفافیت در معاملات تأکید می‌کند.

این رویکرد، هم به‌عنوان یک اصل قانونی و هم به‌عنوان یک الزام اخلاقی در روابط اقتصادی و تجاری اهمیت دارد. دکتر کاتوزیان با این رویکرد، می‌کوشد تا استانداردهای بالای کیفیت و انصاف را در قراردادها برقرار کند که می‌تواند به توسعه یک سیستم اقتصادی سالم و مولد کمک کند.

ارش به معنای جبران خسارت ناشی از وجود عیب در کالای فروخته شده است و به‌طور مشخص به مبلغی اشاره دارد که به‌عنوان تفاوت قیمت میان کالای سالم و معیوب پرداخت می‌شود. ارش تنها در صورتی قابل مطالبه است که عیب کالا موجب کاهش ارزش آن شود و خریدار از عیب اطلاع نداشته باشد یا علم به عیب به‌طور معتبر از او سلب نشده باشد. همچنین، ارش باید به اندازه‌ای تعیین شود که انعکاس‌دهنده تفاوت قیمت واقعی بین کالا صحیح و معیوب باشد و بر اساس کیفیت و کمیت عیب محاسبه گردد. در نهایت، این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای حفظ حقوق خریداران و جلوگیری از سوءاستفاده در معاملات تجاری تلقی می‌شود و نشان‌دهنده تعادل در روابط حقوقی میان طرفین قرارداد است (امامی، ۱۳۸۶، ۴۸۵؛ شهیدی، ۱۳۸۴، ۶۱).

این مفهوم از تملیک کالاهای سالم همچنین با ضرورت احترام به حقوق مصرف‌کنندگان در سطح کلان مرتبط است. کاتوزیان بر این باور است که در دنیای امروز که بازارها پیچیده‌تر و رقابتی‌تر شده‌اند، تضمین کیفیت کالاها و شفافیت در معاملات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این امر باید به‌عنوان یک استاندارد در روابط تجاری مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، بر اساس دیدگاه کاتوزیان، می‌توان نتیجه گرفت که تأمین سلامت و کیفیت کالا به‌عنوان یک اصل بنیادی در قراردادهای بیع، نه تنها موجب حفاظت از حقوق

است. اگر مشتری از عیب کالا مطلع باشد یا بتواند آن را شناسایی کند و علی‌رغم این آگاهی، اقدام به خرید کالا کند، عموماً حق خیار عیب از او سلب می‌شود. این شرط به عنوان ابزاری برای جلوگیری از سوءاستفاده از قوانین و حمایت از حقوق فروشنده عمل می‌کند؛ چرا که در صورتی که مشتری با علم به وجود عیب کالا را خریداری کند، نمی‌تواند پس از معامله به راحتی از عیب شکایت کند.

بر اساس این بند، همچنین برای مشتری این امکان وجود دارد که در صورت وجود عیوب موفق به جبران خسارت‌های ناشی از آن گردد. در واقع، این بند تعادلی میان حقوق فروشنده و خریدار ایجاد می‌کند، بدین معنی که فروشنده باید کالایی را که به خریدار می‌فروشد، به گونه‌ای عرضه کند که هیچ عیبی نداشته باشد، و از طرف دیگر، مشتری نیز باید با آگاهی و پذیرش عیوب به معامله تن دهد. عدم رعایت این موارد می‌تواند به نقض حقوق یکی از طرفین منجر شود، که از منظر قانون مدنی قابل پیگیری است. (کیخا، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۹، ۳).

آنچه گذشت، نه تنها به دنبال حفاظت از خریدار و جبران خسارت‌های اوست، بلکه تأکید بر مسئولیت‌های فروشنده و همچنین آگاهی خریداران را فراهم می‌آورد. این رویکرد تلاش می‌کند تا یک بستر قانونی عادلانه و متوازن در روابط تجاری ایجاد کند که به کاهش تنش‌ها و اختلافات کمک کند.

علاوه بر این، تأکید بر حق مشتری در این بند، نشان‌دهنده رویکرد قانون مدنی در حمایت از مشتری و مصرف‌کننده است. با تعریف خیار عیب، قانون‌گذار به تضمین حقوق مشتریان پرداخته و این امکان را فراهم کرده تا مشتریان بتوانند در صورت عدم تطابق کالا با انتظارات خود، از حقوق

خریدار می‌شود، بلکه بر اساس اصول اخلاقی و قانونی، بر تعهدات فروشنده نیز تأکید می‌کند. از این رو، هر گونه انحراف از این قاعده می‌تواند منجر به ایجاد بحران‌های قانونی و عدم اطمینان در بازار و روابط تجاری شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱، ۹۵).

خیار عیب یکی از حقوقی است که به خریدار این امکان را می‌دهد تا در صورت وجود عیوب در کالای خریداری شده، قرارداد را فسخ کند یا نسبت به کاهش قیمت اقدام نماید. بند ۳ ماده ۴۲۹ قانون مدنی ایران به مسأله «خیار عیب» اشاره دارد و شرایطی را مشخص می‌کند که در آن مشتری می‌تواند به دلیل وجود عیب در کالای خریداری شده، حق فسخ قرارداد یا درخواست جبران خسارت را داشته باشد. این ماده به لحاظ حقوقی، اصل مهمی در حمایت از مصرف‌کنندگان و ایجاد تعادل در روابط تجاری دارد و از این منظر حائز اهمیت است.

در واقع، خیار عیب یکی از ابزارهای ایجاد یک نظام حقوقی کارآمد و منصفانه است که به تحکیم روابط تجاری و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان کمک می‌کند. این اصل به دنبال ایجاد احساس اطمینان در خریداران و تأمین صلابت بازار است.

در بند ۳ ماده ۴۲۹، قانون‌گذار به تعریف و شرایط خیار عیب پرداخته و تأکید می‌کند که اگر مشتری پس از دریافت کالا، عیب‌ها و نقص‌هایی را در آن مشاهده کند که موجب کاهش ارزش یا کارایی کالا گردد، می‌تواند به حق خیار عیب متوسل شود. این حق به مشتری این امکان را می‌دهد که نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند یا در صورت تمایل، درخواست ارش (جبران خسارت به دلیل وجود عیب) را مطرح نماید.

نکته قابل توجه در این بند، الزام به آگاهی مشتری از عیب قبل از آنکه حق خیار عیب را اعمال کند،

اصل «استحکام قرارداد» و جلوگیری از سوءاستفاده خریدار از حق خود وضع شده است. علاوه بر این، اگر خریدار عیب را بعد از عقد مشاهده کند و با کمال آگاهی به استفاده از کالا ادامه دهد، حق خود را در خصوص خیار عیب از دست می‌دهد. ماده ۴۲۰ قانون مدنی به صراحت می‌گوید: «اگر خریدار عیب را بعد از خرید کالا ببیند و از آن استفاده کند، خیار عیب ساقط می‌شود». این قاعده نیز بر مبنای حسن نیت و قبح سوءاستفاده از حقوق دیگری است.

این عبارت به ابعاد قانونی و اخلاقی حاکم بر روابط تجاری می‌پردازد و نشان می‌دهد که حقوق هر دو طرف (خریدار و فروشنده) چگونه می‌تواند با رعایت حسن نیت و آگاهی از عیوب، حفظ شود. همچنین، این قاعده می‌تواند به پیشگیری از ایجاد دعوی بی‌اساس و عدم سوءاستفاده از موقعیت‌ها کمک کند و به حفظ تعادل در بازار کمک نماید.

قاعده حسن نیت یکی از اصول اساسی در حقوق مدنی و تجاری است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به رسمیت شناخته شده و به عنوان یک قاعده بنیادین در روابط حقوقی بین افراد تلقی می‌شود. این قاعده بر این اصل تأکید دارد که طرفین قراردادها باید با حسن نیت به یکدیگر برخورد کنند و از رفتارهای سوءاستفاده‌آمیز پرهیز نمایند. به بیان دیگر، حسن نیت ایجاب می‌کند که افراد در تعاملات خود، به حقوق و منافع یکدیگر احترام بگذارند و از اقداماتی که به ضرر دیگران باشد، خودداری کنند.

در نظام حقوقی ایران، قاعده حسن نیت در مواد قانونی مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان مثال، در ماده ۳ قانون مدنی ذکر شده است: «کلیه اعمالی که قانونگذار انجام آن‌ها را روا نمی‌دارد، حرام و ملزم به رعایت حسن نیت و

قانونی‌شان بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، وجود این حق به مشتریان اعتماد به نفس بیشتری برای خرید کالای مورد نظرشان می‌دهد و آنان را در برابر پورسانت‌های اضافی و سو استفاده‌های احتمالی حفظ می‌کند.

در کل، بند ۳ ماده ۴۲۹ قانون مدنی، با ایجاد مکانیسمی برای حمایت از خریدار و تشویق به حسن نیت در معاملات، به تضمین رعایت حقوق طرفین قراردادها کمک می‌کند. این بند با توجه به نیازهای عصر جدید در بازار و مؤلفه‌های اقتصادی، نیازمند توجه ویژه‌ای است تا به درستی اجرا شده و از حقوق خریداران و فروشندگان دفاع نماید. در نهایت، می‌توان گفت که شناخت دقیق این بند و توجه به شرایط احراز خیار عیب می‌تواند به تقویت روابط تجاری و اعتماد بین طرفین قرارداد کمک شایانی کند.

همچنین ماده ۴۱۹ قانون مدنی به تعریف خیار عیب می‌پردازد و شرایط لازم برای اعمال آن را مشخص می‌کند. بر اساس این ماده، در صورتی که عیبی در مورد معین وجود داشته باشد که در زمان معامله وجود داشته، خریدار حق دارد که قرارداد را فسخ کند یا نسبت به کاهش قیمت اقدام نماید.

اما خیار عیب دائمی نیست و تحت شرایط خاصی لغو می‌شود. این شرایط را به عنوان «مسقطات خیار عیب» می‌شناسیم که می‌توانند به‌طور معمول در دو دسته مختلف به شرح ذیل قرار گیرند:

#### الف) مسقطات ناشی از اقدامات خریدار

یکی از مهم‌ترین مسقطات خیار عیب، آگاهی خریدار از عیب موجود در کالا در زمان معامله است. طبق ماده ۴۲۰ قانون مدنی، اگر خریدار هنگام خرید از عیب کالا مطلع بوده باشد، دیگر نمی‌تواند ادعای خیار عیب کند. این اصل به دلیل حمایت از

می‌کنند. این اصول نه‌تنها در راستای حفظ و رعایت حقوق افراد است، بلکه به عنوان ابزارهایی برای تحقق عدالت و انصاف در جامعه نیز عمل می‌کند. تخلف از این اصول می‌تواند پیامدهای جدی حقوقی برای شخص خاطی به همراه داشته باشد و موجبات جبران خسارت به دیگران را فراهم کند. لذا، رعایت این اصول به عنوان مسئولیت اجتماعی نیز ضروری است تا فضای حقوقی سالم و برپایه احترام متقابل در میان افراد جامعه برقرار گردد.

### ب) مسقطات ناشی از توافقات و شرایط خاص در قرارداد

در مواردی ممکن است طرفین قرارداد ضمن توافقاتی، شرایطی را برای مسقط کردن خیار عیب تعیین کنند. به عنوان مثال، جایی که در قرارداد صریحاً بیان شده باشد که طرفین عیوب مورد نظر را پذیرفته‌اند یا از مسئولیت‌ها چشم‌پوشی کرده‌اند. ماده ۴۲۵ قانون مدنی به این نکته اشاره دارد که بیع باید تحت شرایط صحیح و به‌صورتی باشد که طرفین از عیوب آگاهی داشته باشند و آن‌ها را بپذیرند. طرفین قرارداد باید از هرگونه عیب یا نقص در مورد کالا مطلع باشند. این آگاهی به مشتری این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری خود در مورد خرید، با اطلاعات کامل عمل کند. پذیرش عیوب به معنای این است که مشتری پس از آگاهی از عیوب، باید انتخاب کند که کالای معیوب را بپذیرد. اگر او از عیوب مطلع باشد و همچنان اقدام به خرید کند، حق اعتراض و درخواست جبران خسارت نخواهد داشت. این ماده به مجموعه‌ای از شرایط می‌پردازد که می‌بایست در بیع رعایت شود تا این معامله معتبر باشد. اگر یکی از طرفین از عیوب پنهانی کالا مطلع نبوده یا شرایط آگاهی و پذیرش را نداشته باشد، ممکن

مصلحت عمومی هستند.» این ماده نشان‌دهنده اهمیت حسن نیت در قوانین و رفتارهای حقوقی است. همچنین، ماده ۱۰ این قانون تصریح می‌کند: «قراردادها باید بر اساس حسن نیت و با رعایت اخلاق حسنه منعقد شوند.» بنابراین، اکیداً بر لزوم حسن نیت در نیت و عمل طرفین تأکید شده و تخلف از این قاعده می‌تواند منجر به بطلان یا کاهش اعتبار قراردادها شود.

سوءاستفاده از حقوق دیگران همواره یکی از مسائل مورد توجه در حقوق مدنی است. این موضوع در ماده ۹۵۴ قانون مدنی ایران تحت عنوان «قانون تجارت» و همچنین در بخش حقوق خصوصی به‌ویژه قانون مسئولیت مدنی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور خاص، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تصریح می‌کند: «هر کس به سبب اقدام یا ترک عملی، موجب ضرر به غیر شود، متعهد به جبران خسارت است.» این ماده به وضوح بیان می‌کند که هر گونه اقدام نا مشروع که به آسیب به حقوق دیگری منجر شود، نه‌تنها غیرمجاز است، بلکه شخص موظف به جبران خسارت وارده نیز خواهد بود.

ماده ۹۵۴ قانون مدنی بر سوءاستفاده از حقوق تأکید دارد و مفهوم آن در زمینه حقوق تجارت و مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ماده می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب قانونی برای ارزیابی رفتارهای غیرمنصفانه مورد استفاده قرار گیرد و به تسهیل جلوگیری از سوءاستفاده‌ها در روابط تجاری کمک کند.

با توجه به موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که قاعده حسن نیت و قبح سوءاستفاده از حقوق دیگری به عنوان دو اصل بنیادی در نظام حقوقی ایران، در کنار یکدیگر قرار دارند و الزامات حقوقی را برای طرفین قراردادها و روابط حقوقی تعیین

است بتواند قرارداد را بطور قانونی بهم بزند. بنابراین، ماده ۴۲۵ قانون مدنی، بر پایه قاعده حسن نیت و قبح سوءاستفاده از حقوق دیگران استوار است. این ماده می‌کوشد تا امنیت و اعتماد در روابط بازرگانی را تقویت کند و به طرفین امکان می‌دهد تا با اطمینان بیشتری وارد معاملات شوند. در صورت عدم رعایت این نکات، ممکن است قرارداد مورد تردید قرار گیرد و یکی از طرفین بتواند درخواست فسخ یا جبران خسارت نماید. علاوه بر این، اگر عیوب کالا به گونه‌ای باشد که در قرارداد یا کیفیات آن به صراحت ذکر نشده باشد و طرفین به عیوب پنهان آن آگاه نباشند، ممکن است خریدار در نهایت حق خود را از دست بدهد، چراکه عدم شفافیت و ابهام می‌تواند به خسارات بیشتری منجر شود.

تحلیل مسقطات خیار عیب در حقوق ایران نشان می‌دهد که این اصول به گونه‌ای طراحی شده‌اند که هم از حقوق خریدار حمایت کنند و هم به استحکام و اعتبار قراردادها اهمیت دهند. این قوانین نه تنها نیاز به مشخص شدن عیوب را می‌طلبند، بلکه می‌کوشند تا حسن نیت و شفافیت را در معاملات حفظ کنند. با توجه به تحولات روزافزون در حوزه تجارت و نیاز به ارائه ضمانت‌های قانونی، توجه به مسقطات خیار عیب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و روشن‌سازی این قوانین می‌تواند به تسهیل روند خرید و فروش کمک کند.

## ۵-۱. مسقطات خیار عیب در فقه اسلامی

### ۵-۱-۱. مسقطات حق رد

عوامل مختلفی وجود دارند که می‌توانند باعث سقوط حق رد شوند. به این معنا که در صورتی که یکی از این عوامل محقق شود، مشتری دیگر حق فسخ و رد کالا را نخواهد داشت و تنها می‌تواند معامله را امضا کرده و ارش بگیرد. به منظور تبیین

مواردی که حق رد را از دیدگاه پنج مذهب اسلامی سلب می‌کنند، به طور جداگانه به هر یک از آنها پرداخته می‌شود:

فقهای امامیه نظرات نسبتاً مشترکی در مورد مسقطات حق رد دارند. شیخ طوسی در کتاب مبسوط نظر ابن حمزه را پذیرفته است (طوسی، ۱۳۸۷، ۲، ۱۳۹). ابن حمزه سه عامل را به عنوان مسقطات حق رد معرفی کرده است:

۱- رضایت؛ در صورتی که خریدار به‌طور آشکار و آگاهانه از وجود عیب در کالا مطلع باشد و به آن رضایت دهد، حق رد ساقط می‌شود. این عامل بر پذیرش و توافق طرفین در معاملات تأکید دارد.

۲- ترک رد پس از علم به عیب (یعنی اگر مشتری از حق خود آگاه باشد)؛ گر مشتری پس از آگاهی از عیب، از حق خود در رد کالا صرف‌نظر کند و به شکلی از کالا استفاده نماید، این اقدام به‌عنوان اسقاط حق رد تلقی می‌شود.

۳- وقوع عیب جدید نزد مشتری؛ اگر عیب جدیدی در کالا پس از خرید و استفاده از آن توسط خریدار به وجود آید، حق رد او نسبت به عیب قبلی ساقط می‌شود. این موضوع بیانگر این است که خریدار نمی‌تواند به بهانه عیوب جدید، از حق خود در مورد عیوب قبلی استفاده کند (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۵۶).

این تحلیل نشان می‌دهد که مسأله مسقطات حق رد به‌ویژه در فقه امامیه موضوعی پیچیده است که تحت تأثیر نظرات فقها و اجماع آنان قرار دارد. فهم این عوامل کمک می‌کند تا خریداران و فروشندگان در معاملات خود آگاه‌تر عمل کنند و نسبت به حقوق و تعهدات خود در برابر یکدیگر، بیشتر توجه داشته باشند.

شیخ انصاری نیز اسباب سقوط حق رد را شامل تصریح به التزام به عقد، اسقاط حق رد، انتخاب

رنگریزی شده به نقصان عیب رجوع کند» (قمی، ۱۴۱۳، ۳، ۲۱۷).

سوم: التزام به عقد، اسقاط رد و اختیار ارش؛ مسقط دیگر رد، تصریح به التزام به عقد، اسقاط رد و اختیار ارش است (انصاری، ۱۴۱۰، ۵، ۲۷۹). دلیل این مطلب آن است که التزام به عقد منافی رد است و با ارش جمع می‌شود و منافات با آن ندارد، تا اینکه بر نفی آن دلالت کند (مامقانی، ۱۳۵۰، ۱۰۴).

چهارم: علم به عیب؛ اگر مشتری قبل عقد علم به عیب داشته باشد رد ساقط می‌شود و علم به عیب قبل عقد رضایت به عیب است (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۳، ۲۸۲).

پنجم: تبری از عیوب؛ رد با تبری از عیوب ساقط می‌شود (همان). مقصود از تبری این است که بائع مفصلاً از آن تبری جوید، همانطوری که مورد اتفاق است (بحرانی، ۱۴۲۱، ۵۲۰)، مانند اینکه بائع بگوید: «با وجود این عیب معین به تو فروختم» (نراقی، ۱۴۲۵، ۱۴۴) و اما در تبری اجمالی مانند اینکه بگوید: «از همه آنچه که در آن است براثت می‌جویم» (بحرانی، همان، ۵۲۰)، در آن دو قول است، مشهورترین آنها اکتفاء به آن است (همان، ۵۲۰). در این صورت هر عیبی که در آن جنس ظاهر شود خریدار خیار عیب ندارد و نمی‌تواند معامله را فسخ کند و نمی‌تواند ارش بگیرد (نراقی، همان، ۱۴۵). از نظر فقه شافعی، یکی از موانع حق رد این است که مشتری نتواند مبیع را رد کند. همچنین، اگر مبیع در دست مشتری از بین برود و پس از آن مشتری متوجه شود که مبیع معیوب بوده، در این صورت حق رد از بین می‌رود، زیرا مبیع مردود دیگر وجود ندارد و مشتری فقط می‌تواند به بائع برای دریافت ارش مراجعه کند (نویی، ۱۴۱۲، ۱، ۴۴۸).

ارش، تصرف در کالای معیوب، تلف عین یا تغییر آن و حدوث عیب جدید می‌داند (انصاری، ۱۴۱۰، ۵، ۳۱۷-۲۷۹). به‌طور کلی، با مراجعه به منابع فقهی می‌توان مسقطات حق رد را به موارد زیر جمع‌بندی کرد:

یکی از موضوعات مرتبط با براثت بائع از عیوب، اعلام بائع به وجود عیب است. حکم اعلام به عیب مبتنی بر برخی روایات است که یکی از آنها حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) است. ایشان نقل می‌کنند از پیامبر (ص) که فرمودند:

«هر کس دست به خرید و فروش می‌زند، باید از پنج چیز مراقبت کند وگرنه نباید داد و ستد کند: ربا، سوگند، کتمان عیب، تمجید از کالایی که می‌فروشد و نکوهش از آنچه می‌خرد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۳۸۳).

به‌طور کلی، با تتبع در کتب فقهی می‌توان اسباب سقوط رد را در موارد زیر خلاصه نمود:

اول: حدوث عیب؛ حق رد مبیع با حدوث عیب بعد قبض غیر مضمون بر بائع، بدون اختلاف ساقط می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳، ۲۴۰) و اگر عیب حادث، قبل قبض باشد مانع از رد نمی‌شود مطلقاً، خواه قبل از علم به عیب باشد یا بعد آن (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۹، ۶۲۵).

دوم: تصرف در مبیع؛ در سرائر (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۳۰۲) و مسالک (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۳، ۲۸۳) اجماع بر این است که تصرف رد را ساقط می‌کند. علاوه بر اجماع، مستند این امر روایت جمیل از امام صادق (ع) است، در مورد مردی است که لباس یا کالایی را می‌خرد و سپس عیبی در آن می‌بیند. امام فرمود: «اگر عین لباس موجود است آن را به صاحبش رد کند و ثمن را بگیرد و اگر لباس بریده شده یا دوخته شده یا

### ۵-۱-۲. مسقطات حق ارش

فقه‌های امامیه در خصوص موارد سقوط حق ارش دو مورد را مشخص کرده‌اند:

اول: زمانی که مشتری کالا یا جنسی ربوی را خرید کند و سپس عیبی در یکی از آن‌ها نمایان شود (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴، ۳۷۱). در این زمینه سه نظر وجود دارد: الف) عدم جواز دریافت ارش به‌طور مطلق، چه کالاها از یک نوع باشند و چه نباشند؛ ب) جواز دریافت ارش به‌طور مطلق، خواه کالاها هم‌نوع باشند یا نه؛

ج) تفصیل میان دو حالت: در صورتی که ارش از جنس عوضین باشد یا از جنس دیگری. در میان این سه نظر، در صورت دوم، دریافت ارش مجاز است.

دوم: اگر عیب به گونه‌ای باشد که موجب کاهش قیمت کالا نشود، در این صورت موضوعی برای دریافت ارش باقی نمی‌ماند، زیرا فرض بر این است که قیمت کالا معیوب کمتر از قیمت کالا صحیح نیست (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳، ۳۷۶).

این تحلیل نشان می‌دهد که در معاملات، به‌ویژه زمانی که صحبت از عیوب کالا می‌شود، باید به تأثیر عیب بر قیمت توجه خاصی شود. وجود عیب به‌تنهایی کافی نیست تا خریدار حق دریافت ارش داشته باشد؛ بلکه باید نشان دهد که عیب به‌طور واقعی تأثیری بر کاهش قیمت کالا داشته است. بنابراین، در معاملات، خریداران باید در ارزیابی کالاهای خود دقت کنند و به تأثیر عیوب بر ارزش مالی آن‌ها توجه داشته باشند.

### ۵-۱-۳. مسقطات حق رد و ارش

از مجموع موارد مطرح‌شده در خصوص عوامل سقوط حق رد و ارش، مشخص می‌شود که برخی عوامل می‌توانند هم حق رد و هم ارش را سلب کنند. بنابراین، می‌توان مصادیق این عوامل که در

عبارت مشخص می‌کند که یکی از موانع حق رد در فقه شافعی، وضعیت مبیع در دست مشتری است. در حقیقت، اگر مشتری نتواند مبیع را به فروشنده بازگرداند، حق رد ساقط می‌شود. این نکته اهمیت مدیریت و شرایط کالا در دست مشتری را در معاملات نشان می‌دهد و بر روی مسئولیت خریدار برای حفظ مبیع تأکید دارد.

علاوه بر این، اگر مشتری از عیب قدیمی مبیع مطلع شود و پس از قبض، عیب جدیدی برای آن پیش بیاید، حق رد مشتری از بین می‌رود. در این حالت، بایع نمی‌تواند مشتری را به رد مجبور کند و مشتری نیز حق خیار ندارد، زیرا با قبض، کالا به ضمانت مشتری درآمده است (خن، بغا و شربجی، ۱۴۱۳، ۶، ۲۸). یکی دیگر از عوامل سقوط حق رد ناشی از تقصیر مشتری است. در کتاب "روضه الطالبین"، تقصیر به‌عنوان عاملی مؤثر در سقوط حق رد و ارش ذکر شده (نووی، همان، ۳، ۴۷۸) و بنابراین، می‌توان استنباط کرد که تقصیر می‌تواند به عنوان منجر به اسقاط حق رد عمل کند.

به گفته حنابله، اگر مبیع معیوب از بین برود یا مشتری از وجود عیب مطلع نباشد و اقداماتی مانند رنگرزی یا بافندگی برای لباس انجام دهد، یا مبیع را ببخشد یا بفروشد، در اینجا به دلیل عدم امکان رد و عدم وجود رضایت به نقصان، ارش برای او تعیین می‌شود. همچنین، با شکستن مبیع نیز ارش مشخص خواهد شد. به عنوان مثال، اگر مبیع تخم‌مرغ باشد و مشتری آن را فاسد بیابد، او نمی‌تواند حق رد مبیع فاسد را به بایع تحمیل کند و به‌طور کل به ثمن مراجعه خواهد کرد، زیرا فساد ناشی از شرایط عقد به‌طور مشخص اعلام شده و فاقد فایده است (بهوتی، ۱۳۹۰، ۲، ۸۶).

دیدگاه فقهای امامیه منجر به اسقاط همزمان حق رد و ارش می‌شوند، به صورت زیر خلاصه کرد:

اول: آگاهی به وجود عیب قبل از عقد. در چنین شرایطی، خیار عیب برای مشتری برقرار نخواهد بود. برخی فقها، از جمله صاحب "ایصال الطالب الی المکاسب"، نکته‌ای اضافی را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند که علم به عیب تنها در صورتی می‌تواند حق خیار (هم رد و هم ارش) را سلب کند که مشتری به جزئیات عیب از نظر کمیت و کیفیت آگاه باشد (خویی، بی‌تا، ۱۶۰).

دوم: براءت بایع از عیوب (حسینی شیرازی، بی‌تا، ۱۳، ۱۸۸).

### ۶. نتیجه

طبق ماده ۴۲۰ قانون مدنی، آگاهی خریدار از عیب موجود در کالا یکی از مسقطات خیار عیب محسوب می‌شود. اگر خریدار از وجود عیب مطلع باشد و اقدام به خرید کند، دیگر حق مراجعه به خیار عیب را نخواهد داشت. همچنین، اگر خریدار پس از مشاهده عیب، به استفاده از کالا ادامه دهد، حق خیار عیب ساقط می‌شود. این ماده بیان می‌کند: «اگر خریدار عیب را بعد از خرید کالای عیب‌دار ببیند و از آن استفاده کند، خیار عیب ساقط می‌شود». این قاعده به صورت ضمنی نشان‌دهنده این است که استفاده از کالا به منزله رضایت به شرایط موجود و اذعان به عدم استفاده از حق خیار عیب است. ماده ۴۲۵ قانون مدنی به این نکته اشاره دارد که اگر طرفین به گونه‌ای توافق کنند که مسئولیت عیوب کالا را از یکدیگر ساقط کنند و در واقع به عیوب کالا نظر مثبت داشته باشند، خیار عیب به‌طور کلی از بین می‌رود. به عنوان نمونه، در قراردادها ممکن است عباراتی وجود داشته باشد که عیوب پنهان یا آشکار را پذیرفته و بدین ترتیب طرفین خود را از هر گونه مسئولیتی معاف کنند. با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان گفت که مواضع سقوط حق رد و ارش در فقه امامیه به شرح زیر است: وجود علم به عیب پیش از عقد بدون هیچ‌گونه اختلاف، تبری بایع از عیوب، تصرف در مورد معیوب پس از آگاهی از عیب، پیدایش عیب در کالای معیوب، وجود یکی از دو مانع رد در کالاهای معیوب که در آن‌ها به خاطر ربا حق ارش دریافت نمی‌شود، تصرف در کالایی که قیمت آن تحت تأثیر عیب قرار نمی‌گیرد، و تأخیر گرفتن متناسب با خیار. از سوی دیگر، فقه حنفی سقوط حق رد و ارش را در موارد زیر می‌داند: اگر مشتری در زمان خرید عیب را ببیند و با علم به وجود آن عیب اقدام به خرید کند، یا اگر پس از آگاهی از عیب، خریدار به آن راضی شود. همچنین، در صورتی که یک شخص ثالث مشتری را از وجود عیب مطلع کند و مشتری اقدام به خرید کند، در این حالت مشتری حق خیار به دلیل وجود عیب را نخواهد داشت، مشروط بر این که شخصی که اطلاع‌رسانی کرده، عادل باشد. دیگر موارد شامل براءت از هر عیب، تصرف مشتری در مبیع پس از آگاهی از عیب، و اعلام بایع از عیب کالا در زمان بیع است که مشتری با علم به آن عیب خرید را انجام دهد. همچنین در فقه مالکی، مسقطات حق رد و ارش به چند دسته تقسیم می‌شوند: اول، زمانی که امر یا قولی دال بر رضایت مشتری به عیب ظاهر شود، اعم از اینکه این رضایت به صورت کلامی یا سکوت پس از اطلاع از عیب باشد، یا اینکه مشتری اقدام به تصرف در مبیع کند. دوم، زمانی که عیب از بین برود. سوم، در صورتی که مبیع به واسطه موت، عتق، یا از بین رفتن عین مبیع تلف شود. چهارم، پیدایش عیب جدید در نزد مشتری. در نهایت، مذهب شافعیه نظر به سقوط حق رد و ارش در مواردی دارد که مشتری قبل از

دیدگاه فقهای امامیه منجر به اسقاط همزمان حق رد و ارش می‌شوند، به صورت زیر خلاصه کرد:

اول: آگاهی به وجود عیب قبل از عقد. در چنین شرایطی، خیار عیب برای مشتری برقرار نخواهد بود. برخی فقها، از جمله صاحب "ایصال الطالب الی المکاسب"، نکته‌ای اضافی را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند که علم به عیب تنها در صورتی می‌تواند حق خیار (هم رد و هم ارش) را سلب کند که مشتری به جزئیات عیب از نظر کمیت و کیفیت آگاه باشد (خویی، بی‌تا، ۱۶۰).

دوم: براءت بایع از عیوب (حسینی شیرازی، بی‌تا، ۱۳، ۱۸۸).

### ۶. نتیجه

طبق ماده ۴۲۰ قانون مدنی، آگاهی خریدار از عیب موجود در کالا یکی از مسقطات خیار عیب محسوب می‌شود. اگر خریدار از وجود عیب مطلع باشد و اقدام به خرید کند، دیگر حق مراجعه به خیار عیب را نخواهد داشت. همچنین، اگر خریدار پس از مشاهده عیب، به استفاده از کالا ادامه دهد، حق خیار عیب ساقط می‌شود. این ماده بیان می‌کند: «اگر خریدار عیب را بعد از خرید کالای عیب‌دار ببیند و از آن استفاده کند، خیار عیب ساقط می‌شود». این قاعده به صورت ضمنی نشان‌دهنده این است که استفاده از کالا به منزله رضایت به شرایط موجود و اذعان به عدم استفاده از حق خیار عیب است. ماده ۴۲۵ قانون مدنی به این نکته اشاره دارد که اگر طرفین به گونه‌ای توافق کنند که مسئولیت عیوب کالا را از یکدیگر ساقط کنند و در واقع به عیوب کالا نظر مثبت داشته باشند، خیار عیب به‌طور کلی از بین می‌رود. به عنوان نمونه، در قراردادها ممکن است عباراتی وجود داشته باشد که عیوب پنهان یا آشکار را پذیرفته و بدین ترتیب طرفین خود را از هر گونه

### ۷. مشارکت نویسندگان

در انجام تحقیق حاضر، تمامی نویسندگان به طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

### ۸. تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

عقد از عیب مطلع باشد، در حالی که حنابله در موارد آگاهی مشتری از عیب قبل از عقد و یا حدوث عیب بعد از عقد، حق رد و ازش را ساقط می‌دانند، با این استثنا که این حکم در مورد کالاهای پیمانهای و مشابه آن ممکن است متفاوت باشد.

## منابع

## منابع فارسی

- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی شیرازی، محمد، ایصال الطالب إلى المكاسب، چاپ اول، تهران، منشورات اعلمی، بی تا.
- خن، مصطفی؛ بَغا، مصطفی و شربجی، علی، الفقه المنهجی علی مذهب الامام الشافعی، چاپ چهارم، دمشق، دار القلم للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۳ ق.
- خوئی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، بی جا، بی تا.
- سبحانی تبریزی، جعفر، دراسات موجزة فی الخيارات و الشروط، چاپ اول، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامية، ۱۴۲۳ ق.
- -----، المختار فی أحكام الخيار، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۴ ق.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامية، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ ق.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، ۱۴۰۸ ق.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
- مامقانی، ملا عبد الله بن محمد حسن، نهاية المقال فی تکملة غایة الامال، چاپ اول، قم، مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۳۵۰ ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
- نراقی، مولی محمد مهدی بن ابی ذر، أنیس التجار، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ق.
- نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، چاپ سوم، بیروت، المكتب الإسلامي، ۱۴۱۲ ق.
- امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۸۶.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۶، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- -----، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳.
- کیخا، محمدرضا و همکاران، مسقط حق رد نبودن حدوث عیب جدید با جبران خسارت (نقد بند ۳ ماده ۴۲۹ قانون مدنی)، نشریه آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره چهاردهم، شماره ۲۶، ۱۴۰۱، ۱۷۹-۱۹۵.

## منابع عربی

- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، المكاسب، چاپ سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب، ۱۴۱۰ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، سداد العباد و رشاد العباد، چاپ اول، قم، کتابفروشی محلاتی، ۱۴۲۱ ق.
- بهوتی، منصور بن یونس، الروض المربع شرح زاد المستقنع، ریاض، مكتبة الرياض الحديثه، ۱۳۹۰ ق.
- جبعی عاملی ( شهید ثانی)، زین الدین بن علی، فوائد القواعد، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.
- -----، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.



## A Comparative Analysis of Muscatat Khayar Eb in Transactions in Iranian Law and Islamic Jurisprudence

Hosein Ansari<sup>1\*</sup>

1. Master's Degree Student, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:1-13

Article history:

Received: 04 Jun 2020

Edition: 10 Aug 2020

Accepted: 19 Oct 2020

Published online: 21 Dec 2020

Keywords:

Cucumber Defect, Transactions, Iranian Law, Islamic Jurisprudence.

Corresponding Author:

Hosein Ansari

Address:

Iran, Ahvaz, Shahid Chamran University of Ahvaz, Faculty of Law and Political Sciences, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0006-6142-7210

Tel:

09940577558

Email:

hansary149@gmail.com

### ABSTRACT

**Background and Purpose:** The purpose of this analysis is to identify the strengths and weaknesses of Iran's legal system and Islamic jurisprudence in order to help create a coherent and efficient framework in order to protect consumers and promote justice in transactions.

**Materials and Methods:** This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and was done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

**Findings:** In both Iranian legal systems and Islamic jurisprudence, issues such as knowledge of the defect, acceptance of the defect, and the time of application of the cucumber are among the important factors in the fall of the right of the cucumber. Also, both systems emphasize the necessity of good faith and good behavior in contracts and believe that incorrect information or non-disclosure of defects can lead to deprivation of cucumber rights. However, in Iranian law and Islamic jurisprudence, there are differences in the details and how to understand the defects and muscats of cucumbers; For example, in Islamic jurisprudence, the range of opinions of jurists regarding the analysis of defects and the way of compensation may be more diverse. Also, in Iranian law, there are more specific rules for how to calculate damages and compensation due to defects in civil law, which can help reduce ambiguities in dealing with related lawsuits. These findings show that paying attention to legal texts can help improve business processes and increase legal security in transactions, and lay the groundwork for the development of a more coherent legal framework in the field of cucumber defects.

**Conclusion:** Scrutiny in the concepts of cucumber defect and its consequences indicates the need to pay attention to good faith and ethics in transactions, which are among the distinctive features of Islamic societies and civil rights in Iran. This analysis shows that a coherent and transparent legal framework can help reduce claims caused by product defects and increase public trust in commercial markets.

Cite this article as:

AnsariA, H. *Comparative Analysis of Muscatat Khayar Eb in Transactions in Iranian Law and Islamic Jurisprudence*. 2019.

